

## مانیفیست در عرصه حسابداری

امروز که <جامعه حسابداران رسمی ایران > باید به مثابه کل

واحدی تجلیگاه بهترین اندیشه‌های ناب حسابداری باشد، اختلاف نظر، تشقت آرا و

تعدد جریانهای فکری در این جامعه بیش از هر زمان رخ نموده است.

تفاوت دیدگاه، تقابل آرا و کثرت نظرات گرچه ممکن است زمینه را برای وفاق و

همکاری گروهی فراهم کند اما اگر ریشه در عملگرایی و تفکر انتزاعی داشته باشد

آنگاه واقعبینی و درست‌اندیشی راه گم می‌کند و کمبودها، ضعفها، فرصتها و

تواناییها به‌درستی شناخته نمی‌شوند و برخورد سطحی، ساده‌اندیشی، خودباوری،

سرمستی کاذب و یا ناامیدی افراطی حاکم می‌شود.

نمی‌توان نسبت به مسائلی که در اثر این بحران بروز کرده بی‌اعتنا بود. هیچ‌چیز

مضرتر و ضداصولی‌تر از کوششی نیست که از طریق عبارت پردازی برای رها

ساختن گریبان خود از این مسائل می‌شود. برای دفاع از اصول و مبانی اساسنامه

جامعه حسابداران رسمی و قواعد اساسی آن، هیچ چیز مهمتر از وحدت نظر و عمل

بین کلیه حسابدارانی که به عمق بحران و لزوم یافتن راهکار برای آن آگاهند نیست.

واقعیت نشان می‌دهد که بحران فعلی که از جنبه‌ای بیان‌کننده تفاوت شدید آراء و

نظریات حرفه‌ای-اجتماعی جامعه حسابداری از یکسو و وجود گرایشهای خود

محور از سوی دیگر است، تمرکز خود را از لحاظ برنامه‌ای بر حول مسئله کلیدی

<اساسنامه > و ساخت تشکیلاتی جامعه قرار داده است. درک از محیط اجتماعی که

در آن به سر می‌بریم و حرکت و روند آینده حلقه کلیدی است که در پرتو شناخت

علمی از آن می‌توان به بحران فعلی پاسخی درخورداد.

اگرچه در دو سال اخیر نقد و انتقاد چه در قالب اصولی و چه متاسفانه در چارچوب

کارکرد غیرحرفه‌ای شدت گرفته اما در مجموع جامعه نسبت به گذشته حرکتی رو به

پیشرفت داشته است. با این حال، هنوز به خاطر آنکه تمامی واقعیت و عمق بحران را

درک نکرده‌ایم و فقط بخشی از آن را بیان می‌کنیم، طبیعتاً قادر به ارائه راه حل علمی

برای برون‌رفت از تنگنای موجود نیستیم.

آیا این اختلافات فقط از طریق <نقد و انتقاد > برطرف می‌شود؟ به‌دیده ما نه! اگر

به فرض وجود، اختلاف نظر در جامعه را صرفاً به نبود توافق درباره سازوکارهای

جامعه نسبت دهیم پس چرا حتی در بین کسانی که ظاهراً روی سازوکارهای جامعه

توافق دارند، تفاوت نظر در مباحث اساسی همچنان باقی است و اگر صرفاً از طریق

نقد آراء و تقابل نظریات می‌شد تشتت آرا را از بین برد، پس چگونه تاکنون جامعه

حسابداری                      چنین                      دستاوردی                      نداشته                      است؟

تنها راه حل اصولی، حرفه‌ای و علمی در چنین وضعیتی نقد و مجادله حرفه‌ای بر

روی مثنی و برنامه است که میثاق جمعی حسابداران (اساسنامه) از درون چنین

پروژه‌ای بیرون خواهد آمد! و صد البته در شرایط طبیعی و متعارف جایگاه این

مجادله حرفه‌ای باید نشریات حرفه‌ای همچون حسابدار و حسابرس و حسابدار

رسمی                      باشد.

واقعیت این است که عملگرایی حاکم بر تفکر نظریه‌پردازان فعلی (که خود محصولی

از نظریه‌پردازیه‌های عامیانه است) ما را بر آن می‌دارد تا، یا در زنجیره به هم پیوسته

روابط علت و معلولی به پیش نرویم و یا، آنرا تا ریشه دنبال نکنیم. عملگرایی یکی از

خصوصیات عمده تفکرات سنتی است که از بینش غیرحرفه‌ای سرچشمه می‌گیرد؛

زمانی که جامعه‌ای قادر نیست انحرافات گذشته و حال خود را واقعاً ریشه‌یابی کند.

متاسفانه متدولوژی غالب بر جامعه حسابداران رسمی ایران دچار انحرافات اساسی

است که نه تنها از متدولوژی علمی حسابداری فاصله داشته بلکه فراتر از این، بیشتر

به روشهای عامیانه نزدیک بوده تا به روشهای علمی و این نه سخنی گزاف بلکه

توضیح علمی واقعیت موجود است. از سوی دیگر توضیح کاملتر این مطلب بدون

توجه به بحران جهانی که در حرفه حسابداری روی داده و رابطه معینی که میان این

دو وجود دارد نمی‌تواند صورت پذیرد. و این نیز به دو دلیل زیر متکی است:

اول آنکه حرفه حسابرسی در جهان در حال از سرگذراندن بحرانهای ناشی از

جدایی استانداردهای بین‌المللی، امریکایی و انگلیسی، رویدادهای تقلب و فریب از

نوع شرکتهای انرون و ورلدکام، و همچنین برجسته شدن موضوع نظام راهبری

بنگاه (Corporate governance) است؛

دوم آنکه روندهای اساسی موجود (در چندسال اخیر) در سطح جهان و ایران

نشان می‌دهد که مسئله خطیر مسئولیتهای اجتماعی حساب‌برسان به‌عنوان مسئله  
مبهم روز مطرح شده ولی متأسفانه در هیچکدام از این موارد نیز خود حسابداران و

حساب‌برسان رهبری را به‌دست نداشته اند.

ما قادر نخواهیم بود جامعه خود را متحول سازیم، جز از این طریق که در جهت نفی  
مشی و روشهایی که حرفه را ناتوان معرفی کرده حرکت نماییم. راه حل این نیست که  
نقطه نظرات سنتی را به کناری افکنیم و به‌سادگی آن را مردود بشناسیم؛ چرا که فقط

با مردود شناختن، از میدان به‌در نمی‌رود. نفی ما، نه نفی انکارگرایانه، نه نفی در

ذهن بلکه باید نفی در عین باشد. جامعه حسابداری و به‌ویژه اعضای شورای عالی

(براساس رسالتی که برعهده‌دارند) باید خود را متحول سازند و آن هم در چارچوب

تحول متدولوژیک در فرایند این بستر و به‌استناد ساختار تئوری حسابداری؛ در

غیراین صورت تمام راههای دیگر نه راه، بلکه بیراهه است.

نقطه انحراف آغازین تفکرات بسیاری دوستان در جامعه حسابداری این بوده که

روش منطقی -قیاسی را در تبیین اساسنامه حاکم کردند. این روش همان نقشی را در

زندگی دارد که خط مماس در مقایسه با منحنی دارد. انتظار ما این است که قیاس (که

عمدتاً فعالیت ذهنی است) در مطالعه خود ذهن (یعنی در روانشناسی) و در مطالعه

رفتاری که در آنها تفکر، شرط پیشین عمل است، مثلاً در اقتصاد و سیاست، موفق

باشد؛ ولی عکس این امر صادق است: معلوم شده است که در روانشناسی و علوم

اجتماعی، قیاس، راهنمای ضعیفی است، در صورتی که در مطالعه و بررسی بر روی

امور لایعقل (مثل مواد معدنی، اجسام فضایی، و ملکولها)، قیاس ریاضی، که از

مشاهده کمک گرفته باشد، موفق می‌شود. آیا این نمی‌رساند که قیاس فعالیت است

که تابع خواص موجودات بیجان است، خواصی که از کیفیات موجود زنده نیستند، در

حالی که جامعه حسابداران و ماموریت حسابداران رسمی پدیده‌های زنده و

تاثیرگذار هستند؟

چگونگی تکامل و کلاً سیر تسلسلی تکاملی جوامع بشری نشان می‌دهد که هستی را

می‌بایست بدان صورتی توضیح داد که واقعاً هست و بدان طریق تغییر داد که قوانین

تغییر و تکامل آن حکم می‌کند و بدون شک چنین حرکتی در جامعه حسابداران

رسمی ایران نیز جز از طریق اتکا بر بینش و دانش تئوری حسابداری و به طریق اولی

دانایی بر فلسفه شناخت اقتصادی امکانپذیر نیست.

با نگاهی به سیمای کنونی جامعه حسابداری ایران نموده‌های واقعی یک بحران علمی -

حرفه‌ای فراگیر را بازخواهیم یافت. تشتت عمیق نظرگاههای حرفه‌ای، عقب ماندن از

تبیین رفتار حسابداری در نظام اقتصادی کشور، نبود راهبران حرفه‌ای در جامعه، که

همه گروههای موجود در جامعه در مقابل جایگاه حرفه‌ای این رهبران وحدت نظر

داشته باشند (مشابه شادروان سجادی‌نژاد، مرحوم عرفانی و...)، همگی موید و

نشانه‌های شکنندگی و بحران است. اکنون جامعه حسابداری ایران فاقد تاکتیک و

استراتژی معین و منطبق با ویژگیهای عصر جدید است و بالطبع فاقد اساسنامه واجد

شرایط و رفتار حرفه‌ای مناسب است.

بدون کنار گذاشتن دیدگاهها و نظرگاههایی که ریشه در عوام‌گرایی دارد تا منطق

علمی، قادر به تدوین اساسنامه و به تبع آن مادیت بخشیدن به رهبری جامعه

حسابداران در راستای وظایف خود نخواهیم بود و تنها مسیری که ما را به تدوین

برنامه‌های پیشبرنده هدایت می‌کند برخورد حرفه‌ای-علمی به قضایای درون و برون

است.

حسابداری

جامعه

با چنین درک و رسالتی است که وظیفه شورای عالی جدید جامعه حسابداران رسمی،

مسئولان و اعضای ارکان آن و به‌ویژه اعضای که اعتقاد به توسعه و اعتلای حرفه

دارند دوصدچندان مهم، بزرگ و اجتماعی است. لذا برای انجام چنین امر مهمی باید

همه اعضای جامعه چارچوب مناسبی را به عنوان <میثاق حرفه‌ای > تبیین و تعریف

کنند و این میثاق حرفه‌ای به عنوان <مشترکات حداقل > مورد قبول همگی واقع شود

تا بتوان کاری از پیش برد.